

بررسی رفتار رابطه مبادله بازرگانی خارجی ایران*

میرعبداله حسینی** میرهادی سیدی***

رابطه مبادله / کشورهای در حال توسعه / ایران /

چکیده

مقاله حاضر به تبیین مبانی نظری و تاریخی رابطه مبادله و چگونگی رفتار آن در بازرگانی خارجی ایران از ابعاد مختلف آن طی چند دهه گذشته می‌پردازد. روند رابطه مبادله خالص در بین گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، گروه کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت و بدون نفت، و نیز رابطه مبادله ۲۱ کشور منتخب در حال توسعه و مقایسه آن با رابطه مبادله ایران طی سالهای ۹۶-۱۹۶۸ ارایه شده و روند تغییرات رابطه مبادله کل بازرگانی خارجی ایران طی سالهای ۹۷-۱۹۶۰ و نیز انواع رابطه مبادله با تاکید بر صادرات غیرنفتی طی سالهای ۹۸-۱۹۵۶ محاسبه و مورد تحلیل قرار گرفته است.

* این مقاله مستخرج از طرح تحقیقاتی "بررسی رابطه مبادله بازرگانی ایران و سیاستهای مناسب برای

بهبود آن" که در موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی به انجام رسیده است، می‌باشد.

** پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

*** پژوهشگر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ج. ا. ا.

مقدمه

تغییر و تحول قیمت محصولات صادراتی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در تقابل با یکدیگر قرار دارد. این تقابل قیمتها درجه برخورداری هر کشور را از تجارت بین‌الملل نشان می‌دهد. در این راستا، رابطه مبادله شاخصی است که بررسی رفتار آن در طی زمان به عنوان معیاری برای بررسی میزان برخورداری از منافع تجارت بین‌الملل، در هر کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

امروزه رابطه مبادله یکی از مهمترین ابزارها برای تجزیه و تحلیل مسایل اقتصاد کلان و توسعه اقتصادی از قبیل منافع حاصل از بازرگانی بین‌المللی، تحولات حجم و ترکیب مبادلات و اثر آن بر روی سطح دستمزدها، رفاه عمومی و درآمد ملی محسوب می‌شود. در نظریه‌های اقتصاد بین‌الملل، رابطه مبادله جایگاه ممتازی دارد و اقتصاددانانی بر له و علیه روند بلند مدت رابطه مبادله در بین کالاهای صنعتی و مواد اولیه و یا در بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مقالاتی به رشته تحریر درآورده‌اند. اصطلاح رابطه مبادله در نظریه ریکاردو و آلفرد مارشال جهت تعیین منافع طرفین مبادله به طور صریح بکار رفته است. در مباحث توسعه اقتصادی نیز برخی تحلیلهای انتقادی از روند رو به وخامت رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته صورت گرفته است. مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال مهم می‌باشد که سیر تغییر و تحولات رفتار رابطه مبادله بازرگانی اعم از منتخبی از کشورهای جهان، کل تجارت و تجارت غیرنفتی ایران طی چند دهه گذشته به چه نحو بوده است؟

۱. مباحث نظری، تعاریف و نحوه محاسبه رابطه مبادله

در تشریح مکاتب اقتصادی دو سده اخیر به ویژه نظریه‌های اقتصاددانان کلاسیک، نئوکلاسیک، اقتصاددانان توسعه و ساختارگرایان، رابطه مبادله نقش مهمی را در ابداع و تجزیه و تحلیل تئوریهای اقتصاد بین‌الملل بر عهده داشته است. اقتصاددانان مذکور برای

تعیین قواعد مربوط به نحوه تقسیم منافع حاصل از تجارت بین کشورهای ذی‌نفع، کراراً از مفهوم رابطه مبادله سود جسته‌اند. چنانکه ریکاردو^۱ در نظریه معروف خود تحت عنوان "هزینه‌های تطبیقی"^۲ در مورد مبادلات بین‌المللی، انجام مبادلات بین دو کشور و دو کالا را در فاصله معین از تغییرات نرخ مبادله متضمن منافع برای طرفین معامله می‌داند، حال آنکه جان استوارت میل^۳ با دخالت دادن عام تقاضای متقابل، نشان می‌دهد که مبادله فقط در نقطه‌ای انجام می‌شود که کشش و حجم تقاضای متقابل دو کشور برای کالاهای یکدیگر آنرا تعیین می‌کند و آن نقطه را "رابطه مبادله طرفین"^۴ می‌نامند و به این ترتیب اصطلاح رابطه مبادله، اولین بار بوسیله، آلفرد مارشال^۵ جهت تعیین منافع طرفین مبادله بکار برده شد.

بدین ترتیب مشخص می‌شود که "دیوید ریکاردو" صریحاً رابطه مبادله را تعیین نکرد و تنها به نشان دادن ارزش تعادلی میان نسبت‌های هزینه نسبی دو کشور با فرض تکنولوژی خطی اکتفا نمود. در ادامه، جان استوارت میل با طرح موضوع "عرضه و تقاضای متقابل" راه را برای مارشال به منظور تبیین و بررسی منحنی ارایه پرداخت، باز کرد و به این ترتیب مارشال نشان داد که مازاد عرضه و تقاضای دو کالا در هر کشوری تابعی از رابطه مبادله (که ارزش تعادلی مازاد عرضه جهانی را برابر صفر می‌نماید) است.

در ادبیات مدرن اقتصادی، تأثیر ترجیحات تقاضای مصرف‌کننده در رابطه مبادله، نقش مهمی را ایفا می‌نماید، بدینسان که ارزش تعادلی رابطه مبادله بوسیله تابعی از ترجیحات مصرف‌کننده، موجودیهای نیروی کار و ضرایب فنی تولید تعیین می‌گردد. به تعبیری رفاه

1. Ricardo, David
2. Comparative Costs
3. Mill, John Stvart
4. Terms of interchange
5. Marshal, Alfred

نسبی حاصل از تجارت به رابطه مبادله تعادلی مذکور بستگی دارد، هر قدر رابطه مبادله قبل از تجارت یک کشور به رابطه مبادله مورد توافق بعد از تجارت نزدیکتر باشد، منافع حاصل از تجارت برای کشور مورد نظر کمتر خواهد بود و معمولاً چنین نحوه تجارتی میان یک کشور بسیار بزرگ با یک کشور بسیار کوچک اتفاق می‌افتد.

شایان ذکر است که بعد از جنگ جهانی دوم، همواره در مباحث مرتبط با مبادلات بین‌المللی، موضوع سقوط رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه در بلندمدت مطرح بوده است. براین اساس، فرضیه "کشورهای در حال توسعه همواره کالای کمتری را در مقابل یک واحد از صادرات خود به دست می‌آورند،" بوجود آمده بود. در خصوص رد یا پذیرش این فرضیه، بررسیهای زیادی انجام شده است. از جمله در بررسیهای کاربردی رابطه مبادله در دهه ۱۹۵۰، پریش^۶ و سینگر^۷ (۱۹۴۹) نشان دادند که پائین بودن کشتش در آمدی تقاضا برای کالاهای اولیه و محصولات کشاورزی در مقایسه با کالاهای صنعتی، ساختار انحصاری بازار در کشورهای صنعتی و شرایط رقابتی در عرضه محصولات اولیه، و پیشرفتهای تکنیکی که منجر به اقتصادی شدن مصرف مواد اولیه وارداتی می‌شود، سبب شده است رابطه مبادله به زیان کشورهای در حال توسعه باشد.^۸ به علاوه در تجارت میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه معتقدند که رابطه مبادله در تجارت به زیان آنهاست. دلایلی که این کشورها ارائه می‌دهند، متعدد بوده است. برای نمونه، این کشورها معتقدند که قیمت کالاهای صادراتی آنها با نوسانات شدید، و با تنزل روبه‌رو است و تقاضای آنها برای کالاهای صنعتی وارداتی از کشورها توسعه یافته بیشتر از درآمدهای ارزی آنها از محل صدور کالا به آن کشورها رو به افزایش است. از آنجا که

6. Prebish, R.

7. Singer, H.

۸. برای توضیحات بیشتر به تحقیقات اقتصاددانان توسعه اعم از Prebish, R و Singer, H (1950)

(1978), Kindleberger, C.P (1950) و ... مراجعه شود

تغییرات رابطه مبادله طی دوره زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت انجام می‌گیرد، بررسی عواملی که بر رابطه مبادله اثر گذار هستند، مهم می‌باشد. اهمیت موضوع به این علت است که به عنوان مثال، اگر حجم تجارت از تولید ناخالص ملی رقم قابل ملاحظه‌ای باشد، تغییرات در رابطه مبادله می‌تواند آثار معنی‌داری را بر سطح تولید ناخالص ملی بگذارد. البته مفهوم رابطه مبادله با توجه به تعاریف متعددی که از آن صورت گرفته، آثار متفاوتی را بر رفاه اقتصادی می‌گذارد.

برای رابطه مبادله تعاریف و روابط مختلفی ارایه شده است که می‌توان آن تعاریف را در سه گروه طبقه‌بندی نمود: گروه اول از تعاریف نمایانگر رابطه مبادله میان کشورهاست که در این گروه می‌توان به رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص^۹ و ناخالص^{۱۰} و رابطه مبادله درآمدی^{۱۱} اشاره نمود گروه دوم از تعاریف رابطه مبادله، معطوف به رابطه میان منابع تولیدی است که از آن جمله می‌توان به رابطه مبادله ساده عوامل تولید (تک عاملی)^{۱۲} و رابطه مبادله مضاعف عوامل تولیدی (دوعاملی)^{۱۳} اشاره کرد؛ و بالاخره گروه سوم از تعاریف رابطه مبادله که منافع به دست آمده از تجارت را بر اساس "تحلیل مطلوبیت" مورد بررسی قرار می‌دهد که از این میان می‌توان به رابطه مبادله هزینه واقعی^{۱۴} و رابطه مبادله^{۱۵} مطلوبیت اشاره کرد. هم‌اینک با توجه به طبقه‌بندی کلی فوق، به اجمال تعاریف و مفاهیم رابطه مبادله ارایه می‌شود:

9. Net Barter (or Commodity) Terms of Trade

10. Gross barter Terms of trade

11. Income Terms of Trade

12. Single factorial Terms of Trade

13. Double factorial Terms of Trade

14. Real cost Terms of Trade

15. Utility Terms of Trade

الف . رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص: این رابطه مبادله (TOT_{nb}) ساده‌ترین و متداولترین نوع رابطه مبادله است که نشان می‌دهد کشورها به ازای یک واحد از صادرات، چه میزان کالا وارد می‌کنند. برای محاسبه رابطه مبادله مذکور، شاخص قیمت کالاهای صادراتی (P_x) را بر شاخص قیمت کالاهای وارداتی (P_m) تقسیم نموده و عدد بدست آمده را درصد ضرب می‌کنیم:

$$TOT_{nb} = (P_x / P_m) \times 100 \quad (1)$$

بهبود رابطه مبادله خالص بیانگر آن است که یک کشور با صدور مقادیر مشخصی از کالا می‌تواند حجم بیشتری از واردات را به دست آورد و تنزل آن مبین آن است که با صدور مقادیر مشخصی از کالا حجم کمتری از واردات به دست خواهد آمد^{۱۶}.

گاه از رابطه مبادله خالص، به عنوان شاخص رفاه عمومی استفاده می‌کنند که باید یادآور شد این رابطه شاخص قابل اعتمادی برای این منظور نمی‌باشد. زیرا به عنوان مثال، اگر کشوری در سالی دچار قحطی شود، رابطه مبادله ممکن است به زیان آن کشور تغییر نماید و در عین حال ورود مقادیر فراوانی مواد غذایی و دیگر مایحتاج عمومی، سطح رفاه آن کشور را می‌تواند بهبود دهد. همچنین ممکن است رابطه مبادله خالص تا حدودی رو به

۱۶. رابطه مبادله مذکور زمانی قابل اعتنا است که تنها مبادله کالا در تجارت میان کشورها وارد شود. محاسبه رابطه مبادله مذکور در عمل خالی از اشکال نیست؛ چرا که از طرفی این محاسبات مستلزم دستیابی به آمارهای تفصیلی از ترکیب تجارت خارجی کشور برای سال مورد نظر است و از دیگر سو، تشخیص دقیق قیمت محصولات صادراتی و وارداتی امر ساده و آسانی نیست. علاوه بر آن، از سالی به اسل دیگر ممکن است تغییرات مهمی در تعداد کالاهای مورد مبادله و یا در ترکیب واردات و یا صادرات و کیفیت آنها در هر کشوری روی دهد و این مسئله می‌تواند قابلیت مقایسه اطلاعات آماری مورد نظر را در زمانهای مختلف با مشکل مواجه سازد.

وخامت گذارد، ولی به علت افزایش حجم صادرات کشور و یا کاهش هزینه تولید کالاهای صادراتی، رفاه عمومی افزایش یابد.

ب . رابطه مبادله تهاتری ناخالص: این رابطه مبادله (TOT_g)، از حاصل نسبت واردات فیزیکی کل یک کشور (Q_m) به صادرات فیزیکی کل آن کشور (Q_x) بدست می‌آید. رابطه مبادله تهاتری ناخالص را می‌توان به شکل زیر بیان نمود:

$$TOT_g = (Q_m / Q_x) \times 100 \quad (۲)$$

بهبود رابطه مبادله ناخالص، واردات بیشتری را در مقابل حجم مشخصی از صادرات به نسبت سال پایه امکان‌پذیر می‌کند.

ج . رابطه مبادله درآمدی: یکی از انواع مهم رابطه مبادله، رابطه مبادله درآمدی است. ممکن است رابطه مبادله خالص کشوری طی دوره‌ای تا حدودی رو به وخامت گذارد ولی در عوض حجم صادرات کشور افزایش قابل ملاحظه‌ای یابد و در نتیجه بر میزان قدرت وارد کردن کشور افزوده شود. به همین منظور برای نشان دادن تغییرات حجم صادرات و قدرت واردات کشور از رابطه مبادله درآمدی (TOT_i) استفاده می‌شود که از ضرب رابطه مبادله خالص در شاخص تغییرات حجم صادرات کشور (Q_x) بدست می‌آید:

$$\begin{aligned} TOT_i &= (p_x / p_m) \times Q_x \\ &= TOT_{nb} \cdot Q_x \end{aligned} \quad (۳)$$

رابطه مبادله درآمدی نشانگر ظرفیت وارداتی یک کشور براساس صادرات آن کشور است؛ به دیگر بیان بهبود در رابطه مبادله درآمدی، نمایانگر افزایش ظرفیت وارداتی است نشان می‌دهد در برابر صادرات، حجم بیشتری از واردات را می‌توان به دست آورد. برای کشورهای در حال توسعه، نه تنها تغییرات در رابطه مبادله خالص مهم است، بلکه تغییرات در حجم صادرات نیز نقش مهمی را ایفا می‌کند. به همین دلیل بهتر است علاوه بر

تغییرات رابطه مبادله خالص، تغییرات در حجم صادرات نیز به دقت مورد بررسی قرار گیرد، چرا که رابطه مبادله درآمدی در واقع به تصحیح تغییرات در رابطه مبادله خالص می‌پردازد.

تغییرات در رابطه مبادله درآمدی را نباید به اندازه‌گیری منافع ناشی از تجارت و یا رفاه جامعه تفسیر کرد، بلکه تغییرات مذکور صرفاً نمایانگر تغییرات مقادیر خریداری شده کالای وارداتی بوسیله درآمدهای صادراتی است. همچنین تغییرات در شاخص قیمت صادرات و حجم صادرات ممکن است منجر به تغییرات در رابطه مبادله خالص و درآمدی در خلاف جهت هم شود. به عنوان مثال با فرض ثابت بودن قیمت واردات، اگر درصد افزایش مقادیر صادراتی بیشتر از درصد افزایش در شاخص قیمت صادرات باشد، با وجود تنزل رابطه مبادله خالص، رابطه مبادله درآمدی بهبود خواهد یافت.

در مقاله حاضر از میان هفت رابطه مبادله مورد بحث، تنها به نتایج محاسبات مربوط به رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص، رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) ناخالص و رابطه مبادله درآمدی بسنده شده است.

۲. مروری بر تحقیقات انجام شده و شواهد تجربی

تحقیقات دامنه‌داری در خصوص گرایش بلندمدت و تغییرات کوتاه مدت رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته، و نیز رابطه مبادله مواد اولیه با فرآورده‌ها و کالاهای ساخته شده صنعتی در طی سالهای بعد از جنگ جهانی اول تا کنون انجام شده است. در این قسمت از مقاله به اجمال به پاره‌ای از پژوهشهای صورت گرفته اشاره می‌شود:

الف. برای نخستین بار در قرن بیستم، پرفسور پریش -اقتصاددان توسعه از آرژانتین - تغییرات قیمت‌های محصولات کشاورزی و مواد خام نسبت به فرآورده‌های صنعتی را طی سالهای ۱۹۳۸ - ۱۸۷۶ مورد مطالعه قرار داد و به این نتیجه رسید که طی دوره فوق، رابطه

مبادله به زیان محصولات اساسی کشاورزی و مواد خام تغییر یافته و قیمت آن نسبت به محصولات صنعتی در حدود یک سوم تنزل کرده است.

ب. در تأیید نتایج حاصل از مطالعه پربیش، بخش اقتصادی سازمان ملل^{۱۷} بررسیهایی انجام داد که نتایج حاصله حکایت از آن داشت که تغییرات رابطه مبادله از آخر قرن نوزدهم تا شروع جنگ جهانی دوم همواره به زیان کشورهای تولید کننده مواد خام بوده، به نحوی که قدرت خرید مواد اولیه در موقع جنگ در مقایسه با تولیدات صنعتی با در نظر گرفتن سال ۱۸۸۰ به عنوان سال پایه فقط معادل ۶۰ درصد بوده است.

ج. پروفسور هانس سینگر در سال ۱۹۴۹-۵۰، کاهش را که در قیمت کالاها و مواد اولیه طی سالهای ۱۹۳۹-۱۸۷۰ اتفاق افتاده بود، به عنوان یک تحول ساختاری فرض نمود و نه تحول بلندمدت ادواری. به اعتقاد ایشان، برخلاف نظر فولک هیل یرت^{۱۸} و کارمایو رایت^{۱۹}، تفاوت‌های ساختاری و اختلافات بنیادی کشورها و بازارها سبب می‌شود تا در مقایسه با قیمت کالاها ساخته شده صنعتی، بهای مواد اولیه گرایش به کاهش داشته و در میزان تقاضا و حجم معامله، عدم تقارن ظهور نماید و لذا منافع حاصل از تجارت و سرمایه گذاری، سرانجام بین دو گروه از کشورها به طور نابرابر توزیع شود و این پدیده ربطی به اوضاع اقتصادی کشورهای صنعتی و تحولات روند ادواری تجاری کوتاه‌مدت نخواهد داشت. هانس سینگر در بررسی مجدد طی مقاله‌ای در سال ۱۹۷۱، بر روابط بین کشورها (در مقایسه با کالاها) و ماهیت توزیع تکنولوژی تأکید کرد.

د. پروفسور اسپراوس^{۲۰} رابطه مبادله پایاپای خالص را در بین محصولات اولیه و کالاها ساخته شده صنعتی طی سالهای ۱۹۵۰-۷۷ محاسبه کرد و بر مبنای این محاسبات،

17. UN. Department of Economic Affairs

18. Folke Hilgerdt

19. Carl Major Wright

20. Spraos, J.

شاخص رابطه مبادله بین سالها از ۱۱۴ به ۸۵ رسیده که معادل ۲۵ درصد تنزل یافته است. البته اگر نفت را مستثنی کنیم، کل میزان کاهش طی سالها به ۳۳ درصد می‌رسد.

هـ. کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل^{۲۱} از بررسی رابطه مبادله گروه کشورهای مختلف طی سالهای ۷۸-۱۹۶۰ نتیجه می‌گیرد که رابطه مبادله کشورهای کم درآمد فقیرتر بیش از رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه پردرآمدتر آسیب دیده است. کشورها اخیراً آنهایی هستند که به طرف صدور کالاهای صنعتی ساخته شده گام برداشته‌اند. در مورد کشورهای در حال توسعه کم درآمد، نامساعد شدن رابطه مبادله به دلیل ماهیت خاص کالاهای اولیه در بین کالاهای مختلف می‌باشد. ولی این ویژگی در مورد کشورهای در حال توسعه پردرآمد در جهت عکس و به صورت یک عامل خنثی کننده عمل کرده است. بر مبنای این آمارها برای سالهای ۷۳-۱۹۶۰ کشورهای فقیر در حال توسعه (درآمد سرانه زیر ۴۰۰ دلار در سال) با تنزل ۱۱ درصدی در رابطه مبادله خود مواجه بوده‌اند، حال آنکه رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط (درآمد سرانه بین ۴۰۰ الی ۸۰۰ دلار) و گروه کشورهای در حال توسعه نسبتاً مرفه (بیش از ۸۰۰ دلار درآمد سرانه) به ترتیب به میزان ۶ و ۳ درصد بهبود یافته است و به این ترتیب به نظر می‌رسد مشخصاً کشورهای فقیر و آنهایی که نتوانسته‌اند به صدور کالاهای ساخته شده صنعتی پردازند، رابطه مبادله‌شان رو به وخامت گذاشته است.

و. برای اولیه بار، چارلز کیندلبرگر^{۲۲} مطرح نمود که سیر قهقرائی رابطه مبادله عمدتاً ناشی از ویژگی کشورهای است تا کالاهای مختلف. ایشان با استثناء کردن نفت بین سالهای ۷۵-۱۹۵۳ در مقایسه با سال پایه ۱۹۵۳ نشان داد که طی دوره مذکور ارزش واحد کالاهای اولیه صادراتی کشورهای در حال توسعه در مقایسه با ارزش واحد کالاهای اولیه صادراتی

21. UNCTAD, 1975

22. Kindleberger, Charles, 1974

کشورهای توسعه یافته، ۲۷ درصد تنزل یافته است و به همین ترتیب ارزش واحد مصنوعات ساخته شده صادراتی کشورهای در حال توسعه در مقایسه با صادرات مشابه کشورهای توسعه یافته، رو به وخامت گذاشته است.

سکاندیزو و دیکازاوا^{۲۳}، با مراجعه به شواهد تجربی رابطه مبادله کالاهای اولیه و صنعتی به این نتیجه رسید که بعضاً در دوره‌های معین کوتاه‌مدت مانند آنچه در سالهای ۱۹۵۰-۵۴، ۱۹۶۲-۶۳، ۱۹۷۳-۷۴ و ۱۹۷۹-۸۱ اتفاق افتاده، رابطه مبادله به سرعت به نفع کالاهای اولیه تغییر کرده است و چه بسا چنین دوره‌های کوتاهی با دوره‌های طولانی‌تر که قیمت کالاهای صنعتی نسبت به کالاهای اولیه بهبود یافته، خنثی شده باشد. براساس شواهد، اغلب دوره‌های طولانی‌تر است که مبنای استدلال مفسران مبنی بر تضعیف رابطه مبادله کالاهای اولیه قرار می‌گیرد.

ز. آزمون دقیق بایروچ^{۲۴} حکایت از آن دارد که درباره تغییرات بلندمدت رابطه مبادله کالایی باید احتیاط بیشتری کرد. این آزمون که با استفاده از داده‌های آماری ۱۹۳۸-۱۸۷۰ صورت گرفته، دلالت بر این دارد که در طول دوره مذکور به واقع تغییرات عمومی و واقعی در رابطه مبادله کالاهای اولیه در مقابل کالاهای صنعتی روی داده است. این امر بر حساسیت داده‌های آماری رابطه مبادله - انتخاب دوره مورد بررسی - تأکید می‌کند، به این معنی که انتخاب مقادیر بالا برای شروع و مقادیر پائین برای سال پایانی دوره و نتیجه گیری کاهش رابطه مبادله، و عکس آن هر دو امکان‌پذیر است و همچنین تعمیم دادن معیارهای معرفی شده به تمام کشورها و کالاها، خطرناک است؛ چرا که شرایط از یک بازار به بازار دیگر به شدت تغییر می‌کند. (۱۱)

23. Scandizzo & Diakasawas

24. Bairoch

ط. نتایج محاسباتی که بوسیله آنکتاد در مورد رابطه مبادله انجام شده، حکایت از آن دارد که؛ اول، رابطه مبادله خالص برای کشورهای در حال توسعه به عنوان یک مجموعه در طول دوره ۹۰-۱۹۶۰ با وجود کاهش شدید آن به میزان یک سوم در سال ۱۹۸۱، طی دوره حدود ۶۵ درصد بهبود یافته است، اما برای کشورهای توسعه یافته به عنوان یک مجموعه در طول همان دوره ضمن کاهش کوچکی، نسبتاً با ثبات بوده است.

دوم، رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه صادرکننده کالاهای صنعتی بیش از ۲۵ درصد تقلیل یافته و رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه صادرکننده کالاهای اولیه غیرنفتی در طی این دوره ۲۰ درصد کاهش داشته است. با وجود این، الگوی کلی تغییر در رابطه مبادله خالص برای کشورهای در حال توسعه صادرکننده کالاهای صنعتی و غیرنفتی تفاوت زیادی با هم ندارند و حکایت از آن دارد که رابطه مبادله خالص کشورهای در حال توسعه نسبت به توسعه یافته، نامناسب تر شده است. حجم صادرات کشورهای توسعه یافته طی سالهای ۹۰-۱۹۶۰ به میزان ۵۴۰ درصد، و در مقابل حجم صادرات کشورهای در حال توسعه (به عنوان یک مجموعه) تنها ۳۱۳ درصد افزایش یافته است.

سوم، برخی کشورهای در حال توسعه که وابستگی شدیدی به صادرات کالاهای اولیه دارند، در عین حال رشد بالایی را تجربه کرده‌اند. کشورهای در حال توسعه صادرکننده کالاهای اولیه موفق، کشورهای صادرکننده متوازن هستند که علاوه بر اینکه در متنوع کردن صادرات صنعتی موفق بوده، بلکه سهم مهمی از صادرات اولیه را حفظ کرده‌اند و تمایل دارند کالاهای اولیه‌ای را صادرکنند که رابطه مبادله با ثباتی دارند.

چهارم، بازارهای جهانی کالاهای اولیه بجز نفت خام به طور فزاینده‌ای تحت سلطه کشورهای توسعه یافته بوده و سهم این کشورها از بازار صادرات آن کالاها پیوسته رو به افزایش گذاشته است. بنابراین مشکلاتی که بعضی کشورهای در حال توسعه در صادرات کالاهای اولیه با آن مواجه‌اند ممکن است به عملکرد در عرضه خودشان مرتبط باشد.

برخی از کشورهای در حال توسعه مجبور به واردات برخی از کالاها (بویژه نفت، کالاهای سرمایه‌ای و مواد غذایی) هستند که این امر، سبب کاهش سطح قدرت خرید وارداتی و پائین آمدن میزان ارز خارجی دریافتی آنها از صادرات می‌شود. این امر ناشی از عوامل پیچیده‌ای است که نتیجه ناتوانی در افزایش عرضه صادرات کالاهای اولیه، ناتوانی در متنوع کردن صادرات، ضعف عمومی جهت افزایش کارایی در همه بخشها و قیمتهای پائین کالاهای اولیه صادراتی است.

پنجم، به دلیل افزایش سریع بهره‌وری نیروی کار در تولیدات صنعتی مرکز نسبت به پیرامون، (۴/۱ درصد، در مقابل ۲/۳ درصد طی سالهای ۸۰-۱۹۷۰)، رابطه مبادله دو عاملی کالاهای صنعتی کشورهای در حال توسعه به مراتب از رابطه مبادله کالایی خالص شان رو به وخامت گذاشته است. مع الوصف، این کشورها در افزایش قدرت خرید وارداتی موفق‌تر عمل کرده‌اند.

مطالب پیش گفته، پاره‌ای از نتایج حاصل از برخی تحقیقات انجام شده در مورد رابطه مبادله می‌باشد و اگر چه نتایج حاصله مورد توجه محافل علمی بوده است اما برخی از اقتصاددانان بر نحوه محاسبه، نوع رابطه مبادله و داده‌های آماری استفاده شده در تحقیقات ارایه شده در مورد رابطه مبادله، انتقاداتی دارند:

۱. منتقدین نظریه پریش - سینگر، نسبت به صحت آمار و ارقام انعکاس دهنده روند قیمت کالاهای اولیه طی سالهای ۱۹۳۹-۱۸۷۰، ابراز تردید کرده‌اند و تغییرات رابطه مبادله طی آن مدت، معلول تفاوت‌های هزینه حمل و نقل بین‌المللی و قیمتهای جهانی فوب (قیمت

کالا در مبدأ حمل بدون احتساب هزینه حمل و بیمه) داشته‌اند.^{۲۵} همچنین عنوان کرده‌اند که تغییر در کیفیت کالا موجب تغییر جهت روند قیمت‌ها خواهد شد.^{۲۶}

۲. از نظر برخی منتقدین مقایسه رابطه مبادله خالص که مبتنی بر ارزش واحد کالاهای صادراتی و وارداتی است بدون آنکه حجم صادرات و واردات را مدنظر قرار دهد صحیح نیست و به این سبب، پیشنهاد می‌کنند بجای آن، از رابطه مبادله درآمدی استفاده شود.

۳. از آنجا که واردات بر حسب قیمت ورود (ارزش خرید، بیمه و هزینه حمل و نقل) و صادرات بر حسب قیمت صدور از کشور (بدون احتساب هزینه حمل و نقل) تعیین می‌گردد. بنابراین تغییرات هزینه حمل و نقل در بلندمدت بر رابطه مبادله اثر می‌گذارد.

۴. کیندل برگر در مورد نتایج حاصل از مطالعات مذکور اظهار تردید نموده و عقیده دارد که در بلندمدت رابطه مبادله به نفع کشورهای خواهد بود که سریعاً توسعه یابند و برعکس به زیان کشورهای خواهد بود که از لحاظ توسعه اقتصادی در شرایط سکون و رکود به سر برند.

۵. کولین کلارک، اقتصاددان و آمار شناس معتقد است در سالهای آتی به سبب افزایش مداوم جمعیت جهان، بالارفتن مصرف مواد غذایی و عدم امکان ارتقای بازده تولید در کشاورزی در مقایسه با صنعت، رابطه مبادله به نفع محصولات اساسی کشاورزی تغییر خواهد کرد.^{۲۷}

۲۵. ر. ک به نتایج تحقیقات و بررسیهای Elsworth, 1956

۲۶. ر. ک. به مقاله Spraos, J, 1980

۲۷. البته به نظر می‌آید وقایع مشاهده شده در اکثر کشورهای در حال توسعه این نظریه را مورد تأیید قرار ندهد: چرا که؛ اولاً کشش درآمدی محصولات خام غذایی کم است؛ ثانیاً سیاست حمایتی شدید و سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه در فعالیتهای کشاورزی در ممالک پیشرفته صنعتی مانع از افزایش سهم صادرات محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه از تجارت جهانی آن شده

۳. نتایج حاصل از محاسبات

۳-۱. رابطه مبادله خالص بین گروه کشورها و مناطق مختلف جهان

از بررسی رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص گروه کشورهای صنعتی، در حال توسعه، گروه کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت و بدون نفت مطابق جدول شماره طی سالهای ۹۶-۱۹۶۸ به ساله پایه ۱۰۰=۱۹۹۰ مطابق جدول شماره (۱) نتایجی به شرح زیر حاصل شده است:

۱. رابطه مبادله خالص کشورهای صنعتی و در حال توسعه از ۱۰۶ و ۵۹ در سال ۱۹۶۸ به ۱۰۴/۴ و ۹۷/۳ در سال ۱۹۹۶ تغییر یافته است. طی این دوره، رابطه مبادله کشورهای صنعتی حول رقم ۱۰۰ در نوسان بوده به نحوی که حداکثر میزان آن ۱۰۹ مربوط به سال ۱۹۷۰ و حداقل میزان آن ۸۸/۵ مربوط به سال ۱۹۸۰ بوده است، حال آنکه رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه با نوسانات نسبتاً بالا رو به بهبود گذاشته است به گونه‌ای که حداکثر میزان آن معادل ۱۱۰/۴ مربوط به سال ۱۹۸۰ و حداقل میزان ۵۹ مربوط به سال ۱۹۶۸ بوده است. به این ترتیب، گرچه رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته بسیار پایین بوده اما شاهد بهبود بیشتری در طی دوره بوده است.
۲. رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت و بدون نفت از ۲۰/۶ و ۱۱۹/۲ در سال ۱۹۶۸ به ۸۸ و ۹۸/۶ در سال ۱۹۹۶ تغییر یافته است. لذا رابطه مبادله کشورهای صادرکننده نفت حدود ۴/۲ برابر بهبود یافته و حال آنکه رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه بدون نفت ۱۷ درصد رو به وخامت گذاشته است با این تفاوت که دامنه نوسانات رابطه مبادله کشورهای صادرکننده نفت (بین ۲۰ و ۱۴۸) در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بدون نفت (بین ۹۳ و ۱۲۴) بسیار بالا بوده است.

است، ثالثاً از سوی کشورهای صنعتی بجای محصولات طبیعی، مواد اولیه مصنوعی جانشین شده و در نتیجه‌گیری صرفه‌جویی، مصرف مواد اولیه به آهستگی صورت می‌گیرد.

۳. از مقایسه رابطه مبادله منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی مورد بررسی نتیجه می‌شود که رابطه مبادله مناطق آسیا، نیمکره غربی و خاورمیانه به ترتیب از ۹۶، ۹۳، ۳۱/۵ در سال ۱۹۶۸ به ۹۷، ۹۴ و ۹۷ در سال ۱۹۹۶ بهبود یافته است و در این میان، بالاترین بهبود رابطه مبادله به منطقه خاورمیانه (کشورهای صادرکننده نفت)، تعلق داشته است. بعلاوه، بالاترین بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله به کشورهای منطقه خاورمیانه تعلق داشته است.

جدول ۱ - رابطه مبادله گروه کشورها و مناطق مختلف جهان طی سالهای ۱۹۶۸-۱۹۹۶

۱۹۹۰=۱۰۰

شرح	۱۹۶۸	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۱	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	$\frac{1996}{1968} \times 100$
جهان	۹۳/۰	۹۴/۸	۹۴/۷	۹۳/۹	۹۳/۳	۱۰۰/۴	۱۰۴/۳	۱۰۴/۱	۱۰۳/۵	۱۱۱
کشورهای صنعتی	۱۰۵/۸	۱۰۸/۶	۹۷/۳	۸۸/۵	۸۹/۵	۱۰۰/۸	۱۰۵/۲	۱۰۵/۵	۱۰۴/۴	۹۹
کشورهای در حال توسعه	۵۹	۶۰/۱	۸۸/۰	۱۱۰/۴	۱۰۳/۵	۹۸/۷	۹۷/۵	۹۵/۱	۹۷/۳	۱۶۵
کشورهای صادرکننده نفت	۲۰/۶	۱۹/۶	۶۶/۳	۱۴۷/۶	۱۲۶/۸	۹۲/۹	۷۸	۷۳/۸	۸۸	۴۲۳
کشورهای در حال توسعه بدون نفت	۱۱۹/۲	۱۲۳/۹	۱۰۶/۵	۱۰۲/۳	۹۴/۳	۱۰۳/۱	۱۰۱/۹	۹۹/۱	۹۸/۶	۸۳
آسیا	۹۶/۲	۱۰۲/۲	۹۳/۲	۹۸/۸	۹۹/۰	۱۰۱	۱۰۱/۱	۹۸/۴	۹۷/۳	۱۰۱
خاورمیانه	۳۱/۵	۳۰/۰	۸۹/۸	۱۵۱/۲	۱۴۶/۹	۹۰/۵	۴۸/۷	۸۶/۱	۹۷/۱	۳۰۸
نیمکره جنوبی	۹۲/۷	۹۷/۵	۱۲۶/۵	۱۳۲/۶	۱۰۴/۰	۱۰۱/۲	۹۵/۳	۸۵/۹	۹۴/۲	۱۰۲

ماخذ: نتایج بر مبنای داده‌های آماری

(UNCTAD. Handbook of International Trade and Development Statistics, 1997, pp:134-137)

۳-۲. مقایسه تحولات رابطه مبادله ایران با تحولات رابطه مبادله کشورهای منتخب در حال توسعه

به منظور مقایسه رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص ایران با کشورهای در حال توسعه، ۲۱ کشور منتخب از کشورهای در حال توسعه - از مناطق و قاره‌های مختلف جهان - انتخاب شده است. آمارهای استفاده شده برای محاسبه رابطه مبادله، از سالنامه

آماري کنفرانس توسعه و تجارت وابسته به سازمان ملل متحد استخراج شده است. رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص، از حاصل نسبت شاخص "ارزش واحد صادرات" به "ارزش واحد واردات" به سال پایه (۱۹۷۰=۱۰۰) بدست آمده است. نتایج حاصل از مقایسه تطبیقی رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص ۲۱ کشور منتخب در حال توسعه طی سالهای ۹۷-۱۹۷۰ حکایت از آن دارد که،

اول، رابطه مبادله تهاتری خالص ۲۱ کشور منتخب طی دوره، مجموعاً روند کاهشی یا افزایشی معینی نداشته است؛ چرا که از این تعداد، متوسط رابطه مبادله ۱۰ کشور طی دوره کمتر از ۱۰۰ و رابطه مبادله ۱۱ کشور نیز بیشتر از ۱۰۰ بوده است و دامنه میانگین رابطه مبادله خالص این کشورها در طی دوره، در بین ۴۹۶/۰ و ۵۸/۰ در نوسان بوده است که به ترتیب به دو کشور کویت و فیلیپین تعلق داشته است. بالاترین رابطه مبادله خالص بعد از کویت، به کشورهای عربستان سعودی (۴۳۴/۵)، ایران (۳۶۴)، عراق (۲۸۶/۵) و امارات متحده عربی (۲۸۰/۶) تعلق داشته است و کمترین رابطه مبادله خالص بعد از فیلیپین به کشورهای بنگلادش (۶۶)، پاکستان (۶۷/۸)، برزیل (۷۳) و تایلند (۷۵) اختصاص یافته است. بنابراین تمامی کشورهای منتخب صادرکننده نفت از میانگین رابطه مبادله خالص بالاتر از ۲۰۰ در طی دوره زمانی مورد بررسی برخوردار بوده‌اند.

دوم، بالاترین انحراف معیار رابطه مبادله خالص از میان کشورهای منتخب به کشور عربستان سعودی به رقم ۲۲۹ و کمترین انحراف معیار نیز به کره جنوبی به رقم ۱۱ تعلق داشته است. بعد از عربستان سعودی، بالاترین انحراف معیار رابطه مبادله خالص به کشورهای کویت (۲۲۸)، ایران (۲۰۵) و امارات متحده عربی (۱۳۳) اختصاص یافته، و کمترین انحراف معیار رابطه مبادله خالص بعد از کره جنوبی، به کشورهای بنگلادش (۱۵/۳)، هند (۱۶) و برزیل (۱۹/۰) تعلق داشته است. بنابراین تمامی کشورهای منتخب صادرکننده نفت دارای بالاترین انحراف معیار در رابطه مبادله خالص بوده‌اند. ضریب

تغییرات رابطه مبادله خالص نیز با اندکی تغییر، موید این ادعاست. در میان ۲۱ کشور منتخب در حال توسعه، کشورهای صادرکننده نفت به خصوص ایران دارای بالاترین بی‌ثباتی نسبی و دامنه نوسانات رابطه مبادله خالص هستند.

سوم، تمامی کشورهای منتخب صادرکننده نفت در مقایسه با بقیه کشورهای منتخب در حال توسعه از بالاترین میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص مواجه بوده‌اند که حاکی از بهبود نسبی رابطه مبادله کشورهای صادرکننده نفت توأم با بی‌ثباتی نسبی بالای این کشورهاست. درمیان کشورهای صادرکننده نفت، بالاترین بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص در طی دوره متعلق به ایران بوده است. بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله ایران در طی دهه ۱۹۸۰ حداکثر میزان بوده است که به نظر می‌آید شرایط ویژه جنگ ایران و عراق، بی‌ثباتی عرضه نفت خام از سوی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و به تبع آن نوسانات شدید قیمت نفت، تحریمهای تجاری بر علیه ایران و به طور کلی سیاستهای خاص اقتصادی حاکم در آن دهه نقش تعیین کننده‌ای را در این بی‌ثباتی نسبی ایفا نموده‌اند.

جدول ۲ - رابطه مبادله خالص ۲۱ کشور منتخب در حال توسعه، برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی آن (۱۹۷۰-۹۷)

شرح	میانگین				انحراف معیار				ضریب تغییرات			
	۱۹۷۰-۷۹	۱۹۸۰-۸۹	۱۹۹۰-۹۷	۱۹۷۰-۹۷	۱۹۷۰-۷۹	۱۹۸۰-۸۹	۱۹۹۰-۹۷	۱۹۷۰-۹۷	۱۹۷۰-۷۹	۱۹۸۰-۸۹	۱۹۹۰-۹۷	۱۹۷۰-۹۷
آرژانتین	۹۵/۶	۵۷/۵	۵۱/۷	۶۹/۵	۱۶/۸	۷/۰	۲/۵	۲۲/۶	۱۷/۶	۱۲/۲	۴/۸	۳۲/۵
بنگلادش	۸۰/۳	۶۳/۰	۵۲/۵	۶۶/۰	۱۶/۲	۵/۷	۳/۲	۱۵/۳	۲۰/۲	۹/۰	۶/۱	۲۳/۲
برزیل	۸۹/۹	۵۴/۱	۷۵/۵	۷۳/۰	۱۰/۹	۶/۷	۱۴/۷	۱۸/۷	۱۲/۱	۱۲/۴	۱۹/۵	۲۵/۶
کلمبیا	۱۱۲/۱	۱۱۲/۱	۹۳/۰	۱۰۶/۷	۲۴/۲	۱۳/۹	۷/۸	۱۸/۸	۲۱/۶	۱۲/۴	۸/۴	۱۷/۶
مصر	۱۰۳/۸	۸۰/۱	۵۶/۵	۸۱/۸	۷/۶	۲۳/۳	۳/۸	۲۴/۰	۷/۳	۲۹/۱	۶/۷	۲۹/۳
امارات متحده عربی	۲۵۳/۶	۳۷۵/۹	۱۹۵/۲	۲۸۰/۶	۱۱۸/۱	۱۴۵/۴	۳۱/۴	۱۳۳/۲	۴۶/۶	۳۸/۷	۱۶/۱	۴۷/۵
اندونزی	۲۱۳/۴	۳۰۶/۲	۱۹۷/۰	۲۴۱/۹	۸۳/۵	۸۹/۸	۱۴/۵	۸۶/۶	۳۹/۳	۲۹/۳	۷/۴	۳۵/۸
هند	۸۷/۲	۶۵/۸	۸۲/۶	۷۸/۲	۱۲/۹	۹/۹	۱۷/۵	۱۶/۱	۱۴/۸	۱۵/۰	۲۱/۲	۲۰/۶
ایران	۳۱۳/۴	۴۸۵/۲	۲۷۵/۴	۳۶۳/۹	۱۷۲/۴	۲۶۲/۱	۳۸/۲	۲۰۴/۷	۳۵/۵	۵۴/۰	۱۳/۹	۵۶/۳
عراق	۲۸۶/۱	۳۳۸/۴	۲۲۲/۰	۲۸۶/۵	۱۷۵/۸	۱۱۳/۹	۲۰/۶	۱۳۰/۳	۵۱/۷	۳۳/۷	۹۰/۳	۴۵/۵
کره جنوبی	۹۶/۲	۷۷/۱	۸۱/۴	۸۵/۲	۸/۶	۶/۵	۵/۵	۱۱/۰	۸/۹	۸/۴	۶/۸	۱۲/۹
کویت	۲۹۵/۸	۶۶۷/۱	۵۳۲/۲	۴۹۶/۱	۱۶۵/۲	۲۱۳/۶	۸۰/۲	۲۲۸/۲	۵۵/۸	۳۲/۰	۱۵/۱	۴۶/۰
مالزی	۱۱۱/۷	۱۱۱/۳	۷۵/۹	۱۰۱/۳	۲۱/۵	۲۵/۹	۱/۳	۲۵/۴	۱۹/۲	۲۳/۳	۱/۷	۲۵/۱

ادامه جدول ۲

ضریب تغییرات				انحراف معیار				میانگین				شرح
۱۹۷۰-۹۷	۱۹۹۰-۹۷	۱۹۸۰-۸۹	۱۹۷۰-۷۹	۱۹۷۰-۹۷	۱۹۹۰-۹۷	۱۹۸۰-۸۹	۱۹۷۰-۷۹	۱۹۷۰-۹۷	۱۹۹۰-۹۷	۱۹۸۰-۸۹	۱۹۷۰-۷۹	
۴۲/۴	۳/۹	۴۵/۴	۱۸/۰	۴۲/۱	۲/۲	۴۸/۷	۲۲/۶	۹۹/۴	۵۶/۹	۱۰۷/۳	۱۲۵/۶	مکزیک
۲۱/۶	۳/۹	۸/۹	۲۹/۸	۲۴/۲	۴/۲	۹/۲	۳۷/۲	۱۱۲/۲	۱۰۷/۴	۱۰۳/۶	۱۲۴/۷	مراکش
۴۷/۵	۱۶/۶	۴۰/۳	۴۳/۳	۱۲۸/۷	۳۲/۴	۱۴۷/۶	۱۰۲/۷	۲۷۱/۲	۱۹۴/۶	۳۶۶/۲	۲۳۷/۴	نیجریه
۲۸/۹	۵/۸	۱۰/۳	۱۴/۳	۱۹/۶	۳/۰	۵/۳	۱۳/۰	۶۷/۸	۵۱/۶	۵۷/۵	۹۱/۱	پاکستان
۳۷/۳	۳/۹	۸/۲	۲۷/۵	۲۱/۵	۱/۸	۳/۸	۲۲/۱	۵۷/۷	۴۶/۴	۴۴/۳	۸۰/۳	فیلیپین
۵۲/۷	۱۵/۴	۳۴/۸	۵۴/۱	۲۲۹/۰	۴۹/۹	۲۲۴/۴	۱۶۹/۵	۴۳۴/۵	۳۲۳/۴	۶۴۴/۶	۳۱۳/۳	عربستان
۲۶/۳	۱/۷	۷/۱	۹/۸	۱۹/۷	۱/۰	۴/۵	۹/۸	۷۵/۰	۵۸/۵	۶۳/۷	۹۹/۵	تایلند
۳۹/۸	۱۱/۶	۳۱/۷	۴۱/۵	۹۸/۰	۲۳/۸	۱۰۱/۸	۸۲/۴	۲۴۶/۲	۲۰۵/۱	۳۲۶/۷	۱۹۸/۵	ونزوئلا

(UNCTAD. Handbook of International Trade and Development Statistics, New York and Geneva, 1997)

ماخذ: نتایج بر مبنای داده‌های آماری

۳-۳. رابطه مبادله کل تجارت ایران

از بررسی شش نمایانگر مهم تشکیل دهنده انواع رابطه مبادله تجاری کل ایران شامل (شاخص حجم، ارزش و ارزش واحد کل صادرات و واردات) طی چهاردهه (۹۷-۱۹۶۰) می‌توان دریافت کرد که؛

اول، شاخص ارزش واحد واردات با بی‌ثباتی کمتری دائماً در حال افزایش بوده است. دوم، شاخص ارزش واحد صادرات دارای بالاترین بی‌ثباتی نسبی بوده و گرچه قبل از انقلاب به سرعت رو به افزایش بوده و اما بعد از انقلاب در مجموع چنین امری مشاهده نمی‌شود.

سوم، شاخص حجم صادرات دارای کمترین بی‌ثباتی نسبی بوده است.

چهارم، شاخص ارزش واحد واردات، شاخص حجم واردات و شاخص ارزش کل صادرات (به استثنای دهه ۱۹۷۰) در مجموع روند صعودی داشته‌اند.

پنجم، از بررسی روند انواع رابطه مبادله کل تجاری ایران، مطابق جدول (۳) می‌توان نتیجه گرفت که هر سه رابطه مبادله کل تهاتری (پایاپای) خالص، ناخالص و رابطه مبادله درآمدی از شروع دوره تا نیمه دهه ۱۹۷۰ رشد ملایم و تدریجی داشته‌اند و از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰، هر سه رابطه مبادله به سرعت رو به افزایش گذاشته و در چند سال بعد از انقلاب (تا سال ۱۹۸۲)، هر سه رابطه مبادله به سرعت رو به وخامت گذاشته است. از سال ۱۹۸۲ تا سال ۱۹۹۷ رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص و ناخالص روند نزولی تدریجی داشته‌اند ولی رابطه مبادله درآمدی کل تجارت ایران به سبب افزایش قابل ملاحظه حجم کل صادرات ایران طی سالهای دهه ۱۹۹۰، با روند افزایشی بطئی مواجه شده است.

جدول ۳ - رابطه مبادله کل تجارت ایران در طی دوره زمانی ۹۷-۱۹۶۰

۱۹۷۰=۱۰۰

TOTTi	TOTTg	TOTTnb	رابطه مبادله
			سال
۳۵/۳	۱۳۶/۷	۱۱۲/۵	۱۹۶۰
۳۸/۶	۱۲۴/۹	۱۱۲/۵	۱۹۶۱
۳۹/۳	۱۰۲/۳	۱۱۲/۵	۱۹۶۲
۴۰/۶	۹۸/۹	۱۱۲/۵	۱۹۶۳
۵۳/۰	۸۷/۳	۱۰۸/۰	۱۹۶۴
۵۵/۰	۱۱۲/۳	۱۰۸/۰	۱۹۶۵
۵۲/۸	۱۱۲/۳	۱۰۳/۸	۱۹۶۶
۷۸/۰	۹۵/۱	۱۰۳/۸	۱۹۶۷
۷۶/۲	۱۱۶/۸	۱۰۳/۸	۱۹۶۸
۸۴/۲	۱۱۴/۵	۱۰۳/۸	۱۹۶۹
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۹۷۰
۱۴۱/۷	۹۶/۸	۱۲۸/۰	۱۹۷۱
۱۴۳/۰	۱۱۷/۵	۱۳۰/۶	۱۹۷۲
۱۶۶/۳	۱۶۰/۲	۱۳۳/۲	۱۹۷۳
۳۰۱/۶	۱۶۳/۵	۲۶۵/۵	۱۹۷۴
۴۱۳/۵	۳۳۶/۵	۴۲۳/۵	۱۹۷۵
۴۷۹/۳	۳۸۲/۳	۴۵۰/۰	۱۹۷۶
۴۵۴/۷	۴۲۶/۱	۴۵۲/۰	۱۹۷۷
۳۶۲/۷	۳۸۱/۶	۳۹۵/۵	۱۹۷۸
۲۷۹/۵	۳۸۱/۲	۴۹۷/۱	۱۹۷۹

ادامه جدول ۳

۱۹۷۰=۱۰۰

TOTTi	TOTTg	TOTTnb	رابطه مبادله
			سال
۱۸۵/۱	۲۳۵۰/۸	۸۲۳/۲	۱۹۸۰
۷۲/۸	۹۴۵۶/۰	۱۰۲۵/۶	۱۹۸۱
۱۸۸/۶	۱۲۲۲/۸	۴۱۴/۰	۱۹۸۲
۲۷۰/۰	۱۶۹۲/۸	۵۲۴/۵	۱۹۸۳
۱۷۹/۴	۱۶۴۶/۱	۳۹۳/۸	۱۹۸۴
۱۹۰/۳	۱۳۶۲/۳	۴۵۹/۴	۱۹۸۵
۱۰۶/۸	۱۱۱۹/۷	۲۶۱/۶	۱۹۸۶
۱۳۲/۶	۹۷۶/۴	۳۲۹/۷	۱۹۸۷
۹۱/۵	۱۰۰۶/۰	۲۵۷/۷	۱۹۸۸
۱۲۷/۳	۱۰۳۶/۹	۲۷۵/۸	۱۹۸۹
۱۹۹/۷	۱۲۰۷/۱	۳۳۷/۵	۱۹۹۰
۱۹۳/۲	۱۴۰۱/۵	۲۷۶/۸	۱۹۹۱
۲۰۱/۴	۱۱۷۸/۶	۲۶۸/۰	۱۹۹۲
۱۸۵/۱	۱۰۵۶/۲	۲۶۰/۶	۱۹۹۳
۱۸۷/۱	۶۶۱/۳	۲۷۵/۰	۱۹۹۴
۱۳۶/۷	۵۰۹/۹	۱۹۹/۱	۱۹۹۵
۱۸۵/۳	۶۶۶/۰	۲۷۰/۰	۱۹۹۶
۱۸۶/۸	۶۵۶/۵	۲۷۶/۹	۱۹۹۷

ماخذ: نتایج حاصل از تحقیق TOTT_{nb}: رابطه مبادله پایاپای (تهاتری) خالص

TOTT_g: رابطه مبادله پایاپای (تهاتری) ناخالص

TOTT_i: رابطه مبادله درآمدی

۳-۴. روند تغییرات رابطه مبادله صادرات غیر نفتی ایران

در این قسمت سعی می‌شود وضعیت هر یک از سه رابطه مبادله متعارف در بازرگانی خارجی بدون نفت ایران طی سالهای ۹۸-۱۹۵۶ مورد بررسی قرار گیرد.

رابطه مبادله پایاپای خالص از سال ۱۹۵۶ تا سال ۱۹۶۶ با تغییرات و افت و خیزهایی همراه بوده، اما در مجموع می‌توان گفت تغییر چشمگیری نداشته است. افزایش رابطه مبادله در سال ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ گرچه قابل توجه بوده و اما کاهشهای بعدی باعث شده که در سال ۱۹۷۴ رقم رابطه مبادله پایاپای خالص تقریباً معادل رقم آن در ۱۸ سال پیش (۱۹۵۶) شود. تنها پس از ۱۹۷۴ است که شاهد افزایش بالنسبه پیوسته آن هستیم اما با این حال نوسان آن طی تمام طول دوره امری عادی بوده است. طی سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۹۸ رابطه مبادله پایاپای خالص با افت بی‌سابقه‌ای مواجه شده است و در سال ۱۹۹۸ به کمترین حد خود در طی چند دهه مورد بررسی رسیده است.

رابطه مبادله پایاپای ناخالص صادرات غیرنفتی طی دوره مورد بررسی نوسانات زیادی داشته است. میانگین رابطه مبادله فوق از ۱۷۳ در سالهای ۵۹-۱۹۶۵ به ۱۷۹ و ۴۹۴ طی دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رسیده و در دهه ۱۹۸۰ به ۲۸۱۸ افزایش یافته است. طی سالهای ۱۹۸۰، کاهش حجم صادرات غیرنفتی و افزایش قابل ملاحظه حجم واردات کل از عوامل موثر در این افزایش به شماره می‌روند.

رابطه مبادله درآمدی صادرات غیرنفتی نیز از میانگین ۵۹/۴ در سالهای ۵۹-۱۹۵۶ به ترتیب به ۷۶/۸، ۱۵۴ و ۱۷۳/۵ طی دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رسیده است که نشانگر روند رو به افزایش آن می‌باشد. در دهه ۱۹۹۰ میانگین رابطه مبادله درآمدی به رقم ۷۱۷ رسیده است. گرچه رابطه مبادله درآمدی پیوسته روند صعودی داشته اما دامنه نوسانات آن نیز بالا بوده است و با این حال در دهه ۱۹۹۰، از دامنه نوسانات آن کاسته شده است.

از مقایسه میانگین انواع رابطه مبادله صادرات غیرنفتی طی سالهای ۹۸-۱۹۵۶، بالاترین رقم از آن رابطه مبادله پایاپای (تهاتری) ناخالص و کمترین رقم از آن رابطه مبادله درآمدی است. و همچنین بالاترین ضریب تغییرات به رابطه مبادله ناخالص و پائین‌ترین آن به رابطه مبادله خالص تعلق داشته است؛ به عبارتی بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله ناخالص از هر دو رابطه مبادله خالص و درآمدی بیشتر بوده است. یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله ناخالص، بی‌ثباتی نسبی به مراتب بالای شاخص حجم صادرات غیرنفتی طی دوره زمانی مورد بررسی بوده است.

جدول ۴ - میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات اجزای تشکیل دهنده و انواع رابطه مبادله تجارت (غیرنفتی) ایران

برای سالهای ۱۹۵۶-۱۹۹۸

۱۹۷۰=۱۰۰

جمع‌بندی و ملاحظات

نتایج، جمع‌بندی و ملاحظات پایانی حاصل از مقاله حاضر به شرح زیر قابل ارایه می‌باشد:

۱. طی سالهای ۹۶-۱۹۷۰، رابطه مبادله خالص کشورهای در حال توسعه پیوسته پائین‌تر از کشورهای توسعه یافته بوده و نیز رابطه مبادله خالص کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه از ثبات نسبی به مراتب بالایی برخوردار بوده است، بعلاوه، طی آن دوره روند رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته بیشتر بهبود یافته است. طی دوره مذکور نتیجه می‌شود که رابطه مبادله خالص کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت حدود ۴/۲ برابر بهبود یافته، حال آنکه رابطه مبادله خالص کشورهای در حال توسعه بدون نفت ۱۷ درصد رو به وخامت گذاشته است. دامنه نوسانات و بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله خالص کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت بخصوص ایران به مراتب بیشتر از کشورهای توسعه یافته و حتی کشورهای در حال توسعه بدون نفت بوده است. به این ترتیب برای آنکه رابطه مبادله خالص از ثبات نسبی و توأم با بهبود برخوردار باشد، لازم‌هاش این است که ایران به عنوان دومین کشور صادرکننده سازمان اوپک (OPEC) به همراه عربستان سعودی و باتفاق بقیه اعضای آن سازمان سیاست هماهنگ و مشترکی در قبال قیمت تعادلی و منطقی نفت و جلوگیری از بی‌ثباتی آن به عمل آورند.

۲. طی سالهای ۹۷-۱۹۶۸، تمامی کشورهای منتخب صادرکننده نفت از متوسط رابطه مبادله خالص بیش از ۲۰۰ و در عین حال از بالاترین بی‌ثباتی نسبی مواجه بوده‌اند. بالاترین دامنه نوسانات و بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله خالص بخصوص طی دهه ۱۹۸۰ به ایران تعلق داشته است. که به نظر می‌آید علاوه بر بی‌ثباتی قیمت نفت، مجموعه عوامل پرونزیای غیراقتصادی در سالهای دهه اول انقلاب اسلامی نظیر تحریمهای اقتصادی، جنگ عراق و ایران و نتیجتاً سیاستهای خاص اقتصادی منبث از آن شرایط، در بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله

ایران موثر بوده‌اند. گفتنی است اگر تنشها، نامنی‌ها و بی‌ثباتی سیاستها تقلیل یابد فضا برای سیاستهای هماهنگ اقتصادی بخصوص بازرگانی و ارزی فراهم آید، آنگاه از بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله نیز کاسته خواهد شد.

۳. بررسی هر سه رابطه مبادله (خالص، ناخالص و درآمدی) برای کل بازرگانی خارجی ایران از سال ۱۹۶۰ تا قبل از انقلاب رشدی ملایم و با ثبات را نشان می‌دهد و در سالهای انقلاب هر سه رابطه مبادله به شدت رو به بهبود گذاشته، ولی طی چند سال بعد از انقلاب هر سه رابطه مبادله به سرعت رو به وخامت گذاشته و از سال ۱۹۸۲ تا سال ۱۹۹۷ روند نزولی تدریجی دو رابطه مبادله خالص و ناخالص تداوم یافته و اما رابطه مبادله درآمدی (قدرت خرید صادراتی) کل تجارت ایران به خصوص طی دهه ۱۹۹۰، روند رو به افزایشی را تجربه کرده است. بهبود رابطه مبادله درآمدی ایران به سبب افزایش قابل ملاحظه حجم کل صادرات غیرنفتی ایران بوده و نه تغییر الگوی (ساختار) صادرات صنعتی ایران. بنابراین تغییر الگوی صادرات و افزایش سهم کالاهای ساخته شده صنعتی از کل صادرات غیر نفتی در بهبود رابطه مبادله می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای ایفا نماید.

۴. از مقایسه سه رابطه مبادله خالص، ناخالص و درآمدی صادرات غیرنفتی ایران طی دوره زمانی مورد مطالعه نتیجه می‌شود که رابطه مبادله ناخالص بالاترین میانگین و بی‌ثباتی نسبی را در مقایسه با دور رابطه مبادله دیگر دارا است. یکی از عوامل مهم و تعیین کننده بی‌ثباتی نسبی رابطه مبادله ناخالص بی‌ثباتی نسبی به مراتب بالای شاخص حجم صادرات غیرنفتی طی دوره زمانی مورد بررسی بوده است به طوری که طی سالهای ۹۸-۱۹۹۰ حجم صادرات غیرنفتی ایران به بیش از ۱۱/۵ برابر افزایش یافته و حال آنکه طی این سالها شاخص ارزش واحد صادرات غیرنفتی افت قابل ملاحظه‌ای داشته است و ساختار (الگوی) صادرات غیرنفتی به سمت اقلام کالاهای دارای ارزش واحد پائین سوق یافته که این امر با هدف جهش صادراتی و توسعه پایدار صادرات غیرنفتی در تناقض است. بنابراین توصیه می‌شود

که کار آفرینان بخش خصوصی در عرصه صادرات تشویق شوند و از سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع صادراتی (به خصوص صنایع صادراتی که در بازارهای جهانی امکان توسعه آن میسر است) حمایت گردد تا الگوی فعلی صادرات غیرنفتی متحول شود و گامی در راستای جهش صادرات غیرنفتی برداشته شود.

منابع

۱. میر، جرالده و سیرز، دادلی. **پیشگامان توسعه**. مترجمین؛ هدایتی، سیدعلی اکبر و علی، یاسری. انتشارات سمت. زمستان ۱۳۷۳. تهران.
۲. پورمقیم، جواد. **نظریه‌ها و سیاستهای بازرگان: تجارت بین‌الملل**. نشر نی. چاپ اول. تهران. ۱۳۶۹.
۳. هیئت، ضیاءالدین. **اقتصاد بین‌الملل (دوجلد)**. جلد اول. چاپ پنجم انتشارات موسسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی. ۱۳۵۶. تهران.
۴. کاتوزیان، محمدعلی. **نظریه‌های اقتصاد بین‌الملل**. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. اردیبهشت ماه ۱۳۵۳. تهران.
۵. رحیمی بروجردی، علیرضا. **روابط تجاری بین‌المللی معاصر: تئوریا و سیاستها**. مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی. بهار ۱۳۷۴. تهران.
۶. محتشم دولتشاهی، طهماسب. **اقتصادی بین‌الملل: تجارت بین‌الملل - مالیه بین‌الملل**. انتشارات خجسته. چاپ دوم. تابستان ۱۳۷۵. تهران.
۷. تقوی، مهدی. **تجارت بین‌الملل**. انتشارات پیشبرد. چاپ دوم. بی تا. تهران.
۸. گمرک ایران، **سالنامه آماری بازرگانی خارجی ایران**. سالهای ۱۳۷۸ - ۱۳۵۰.
۹. بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، سالهای ۷۷-۱۳۵۳.
10. UNCTAD (1997) **Handbook of International Trade and Development Statistics**. New York and Geneva.
11. **Relative Prices of Exports and Imports of Underdeveloped Countries**. New York. United Nations, Department of Economic Affairs, No. 1949, II, B. 3.
12. Prebisch, R. (1950) **The Economic Development of Lation America and its principle Problems**, Economic Bulletin for latin America,

13. Bhagwati, J. **Growth, Terms of Trade and Comparative Advantage**, Economic International.
14. Kindleberger, C. P. (1956), **The Terms of Trade: A European case Study**, New York.
15. The New Palgrave a Dictionary of Economics. by John Eatwell Murray Milgate Peter new man. **Terms of Trade**. Vol. 4. Repinted 1988 (twice).
16. J, Spraos (1980) **The statistical Debate on the Net barter Terms of Trade between Primary Commodities and manufactures**, Economic Journal, vol. 90
17. Elsworth (1956) **The Terms of Trade Between Primary producing and industrial countries**, international American Economics Affairs, vol. 10.
18. H. W. Singer (1949), **Relative prices of Exports and Imports of Underdeveloped countries**, Un.
19. Haberler, G., International Trade and Economic Development, Cairo
20. Haberler, G.A Surrey of international Trade Theory, Princeton, 1955.
21. Anna persson and time Terasvirta. **The Net Batter Terms of Trade: A Smooth Transition Approach**. Working paper series in Economics and Finance No. 335, Stokholm. School of Economics,
22. Alf. Maizels (2000) **The Manufactores Terms of Trade of Developing Countries with the United State**, 1981-97. Queen Elizabeth House (QEH) Working Paper Series 36.
23. Kersti Berge and Trevor Crowe. **The Trems of Trade Facing South Korea with Respect to its Trade with LDCs and DMEs**. Queen Elizabeth House working paper series 12. University of oxford, (23)